

حاکمان عثمانی حتما سروده‌های آذربایجان عزیزان را گوش کنند

# هر یولون دا شهامت لر، افتخار لار ورم جان

لیلا موسی زاده

هم‌زمان با ۲۱ آذرماه، در سالروز برچیده شدن فرقه پیشه‌وری و چپ‌ها در آذربایجان، جسارت همسایه غربی ما که با نادانی عجیبی توأم بود یادآوری کرد که هر چند روس‌ها در جنگ‌هایی که در سده‌های پیشین به راه انداختند از روی چشم طعمی که به سرزمین



گفت و گو

ما برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس را داشتند و بخش‌هایی از سرزمین ما را در قرار دادهایی که بیشتر نامسئولیتی حاکمانمان بوده را به غرامت ستاندند اما این مناطق به‌زور گرفته شده همچنان استعداد اشتعال جنگ‌های قومی و قبیله‌ای را به جرقه روسیه و طمع ترکان عثمانی دارند و در هر فرصتی قبیله‌گرایان و ناکامان سیاسی بر این مسائل دست می‌گذارند تا منطقه را به شیوه زشت روسی مدیریت کنند و محوریت عمل و ابتکار منطقه را از دست روش زشت دیگر، مدیریت آمریکایی، دورنگه دارند.

شیوه‌ای که هر بار بیشتر طمع دست‌درازی به خاک کشورمان را نشان می‌دهد بی‌آنکه به این مسأله اذعان کنند که در ۲۰۰ سال حکومت روس‌ها بر اراضی گرفته‌شده از ایران چیزی جز نابودی و ویرانی و نفرت نکاشتند و مردمان آن مناطق همواره

آرزوی بازگشت به جغرافیای سیاسی ایران را به‌عنوان مام‌وطن داشتند. مسأله‌ای که بارها در نوشته‌ها و کتاب‌های بزرگان به‌تایید آمده که آرزوی رهاشدن از چنگال روس‌ها تنها خواسته آنها بود که به‌تقدیر سرانجام با فروپاشی حکومت بلشویکی روسیه کمونیستی منجر به استقلال این مناطق شد. مناطقی که هنوز جای پای روسیه در آنها دردمی‌کند. حالا در هفتاد و پنجمین سال بیرون راندن چپ‌ها و کوتاه کردن دست اجنبی از منطقه آذربایجان کسانی تاریخ را دارند وارونه می‌خوانند و نمی‌دانند مردم منطقه آذربایجان هرگز خود را هم‌جنس ترکان عثمانی نمی‌دانند و سرزمینی جز ایران را وطن خود ننمایدند؟ این را می‌شود در همه جای هنر این سرزمین دید و رد این وطن خواهی را در آثار موسیقایی ایران نیز جست. پیش‌ترها آن هنگام که صدام در

عراق بر طبل جنگ با ایران به‌تحریک روسیه، انگلیس و آمریکا کوبید موسیقیدانان ایران از جمله حسین علیزاده، نوازنده بلند آواز تار و آهنگساز با همکاری سایر موزیسین‌ها از جمله عاشیق عمران حیدری نوازنده قاپوز و اسکندر موسی پور نوازنده تار آذری اشعاری از شاعر نامی آذربایجان مظفر درقشی را با صدای نصرالله ناصح پور به نام سروده‌های آذربایجان در کنون فرهنگی هنری چاپ و انتشار ساختند.

تازه عراق به‌ایران حمله کرده بود و در این آلبوم تماماً رشادت و دلیری با هدف دعوت اقوام مختلف ایران به اتحاد در برابر دشمن بود. سال ۶۰ که آلبوم منتشر شد همه شنیدند که در این آلبوم خوانده می‌شد «آذری لر، تور کمین لر، فارس لر، کورد لر، عرب لر، یوخدور آمان دشمن اطمینان» یعنی آذری‌ها، ترکمن‌ها، فارس‌ها، کرد‌ها، عرب‌ها امانی



آن همیشه ماندگار است چرا که جغرافیای ایران بازتاب همان روحی است که در هنر آن تصویر می‌شود. تصویری که هر گوشه کشورمان ایران را فراتر از سیاست‌پیشگان سیاسی و جنگ‌طلبان، یکپارچه در کنار هم می‌خواهد.

نیست و به دشمن اطمینانی نیست. و با چنین به‌شهامت و رشادت برای ایران افتخار راه آواز بلند سر می‌داد که: «هر یولون دا شهامت لر افتخار لار ورم جان». این نقش از تصویر مردمان برای همبستگی در ایران است که با موسیقی تصویر شده و نقش زیبایی

گفت‌وگو با مهشید فراهانی، پژوهشگر موسیقی دوران باستان، ایلام و ساسانی

## بازسازی و احیای سازهای باستانی و کهن یک نمایش عوامانه است

این تکه تصویر از ادوات موسیقی نقش شده بر جام‌آزجان در این ۱۰ سال گذشته منبع حیف و میل بود چه‌و ادهای کذب و بی‌اساس و شیادگی‌های زیادی به علت بی‌دانشی موزیسین‌ها بوده است. آن چنانکه تا توانسته‌اند ادعای تخصص در سازهای باستانی، نوازندگی چنگ‌های باستانی و حتی تحقیق و پژوهش چند ساز باستان‌جاذده‌اند. در این نقش بر جسته چند ساز تصویر شده است که سمت چپ آن‌ها ساز لیر بوده و متعلق به تمدن هیتی و یونان است و با چنگ فرق دارد. اکنون عده‌ای سودجو توانسته‌اند حتی با تصویر این ساز در صدد ساخت آن بدون هیچ پژوهش و طرحی بر بیایند و آن را به‌عنوان چنگ جا بزنند و ادعای احیای سازهای باستانی کنند که هیچ اساس و پشتوانه علمی‌ای ندارد و در بهترین حالت تنها یک ایده‌گیری و گرته‌برداری ضعیف از آنچه بر جام‌آزجان منقش شده است. در این میان مسأله جدی‌تر اما شناسنامه‌شدن چنین کارهای دم‌دستی و بی‌اساس در دستگاه‌های دولتی از جمله میراث فرهنگی است تا مانع بودجه‌خواری و سوءاستفاده سودجویان به‌عنوان تحقیق و بهره‌برداری از آن شود. مهشید فراهانی، پژوهشگر موسیقی دوران باستان، ایلام و ساسانی، تنها کسی است که می‌توان با اطمینان سخنانش را در این باره مورد استناد قرار داد. شازدهم آذرماه در برنامه رادیویی نیستان در گفتگو با رضا مهدوی، صحبت‌های علمی و مستند مهشید فراهانی در باره لیر آزان و بودجه‌خواران و خودنمایان نوازنده، آن قدر از ششمند بود که تصمیم گرفتیم در صفحه چهارم این هفته دیدگاه‌های او را منعکس کنیم.

■ ■ ■

بله‌من هم در پاسخ به آن دسته از مدعیان گفتم که بر این صحبت‌ها پافشاری می‌کنند. باید توجه کرد که قدیمی‌ترین سندی که از موسیقی داریم مهر جفامیش است که مربوط به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد است و با تاریخ امروز متعلق به ۵۵۰۰ سال پیش است. در آن مهر ما خواننده داریم، نوازنده داریم، وقتی این گروه کنار هم نشسته است شما انتظار درک فاصله از این افراد در این صحنه دارید. یعنی این نوازندگان قادر بودند فاصله موسیقایی را درک کنند و هنگامی که ساز کوبه‌ای تصویر شده قطعاً ریتم هم وجود داشته است و قطعاً ریتم هم با تعریفی که امروزه ما از ریتم داریم متفاوت است اما می‌دانیم که ریتم داشته‌اند. فواصل را داشته‌اند. ضمن اینکه نوازنده ساز بادی دو تاساز در دست‌دار داین یعنی که کاملاً می‌دانسته فواصل یعنی چه و این قدیمی‌ترین سند در جهان از گروه‌نوازی موسیقی است.

■ به قبل از اسلام اشاره کردید، نقاط قوت دوره



قبل و بعد از اسلام کدام بوده که بتوانید نام ببرید چرا که جزو پژوهش‌های شما بوده است.

ما حضور پررنگی از چنگ در این محدوده داریم. همین ساز چنگ که غربی‌ها به آن هارپ می‌گویند البته در انواع مختلف. ما چنگ‌هایی داشتیم که جعبه‌طنینی آن‌ها در پایین قرار داشته، و چنگ‌هایی که جعبه‌طنینی آن در بالا قرار داشته. چنگ‌های قاب شکل داشتیم یعنی سه ضلع چنگ دارای قاب بوده و وترها (سیم‌ها) بین‌شان بسته می‌شده است. حضور مدام و پررنگ این ساز را از همان ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد داشتیم تا دوره‌های بعد از اسلام. بعد از اسلام در جایی این ساز نابود می‌شود و تار و سه‌تار سر برمی‌آورد. یعنی به شکل ساز مادر این محدوده که ما آن را فلات ایران می‌نامیم است.

■ در کتاب‌هایی که باقی‌مانده واژه موسیقی بین‌النهرین هست. یعنی موسیقی چنین جایگاهی داشته در آن دوران که مشخصاً معلوم شده است. این چه چیزی را نشان می‌دهد یا می‌رساند؟

نمی‌توانم بگویم خوشبختانه یا متأسفانه تنها مکتوباتی که در باره فواصل یا حتی خط‌ملودی از موسیقی‌های خیلی کهن داریم از موسیقی بین‌النهرین داریم. یعنی از موسیقی هند، چین، ایران و... در آن دوره تاریخی مکتوبی نداریم که بتوانیم بدانیم فواصل به چه نحو است. ما از موسیقی بین‌النهرین لوحه‌ای داریم که به خط میخی نوشته شده است. یک لوحه داریم که در باره کوک یک ساز نوشته است که البته نمی‌دانیم آن ساز لیر است یا چنگ و چند مورد دیگر. فهرستی از سازها داریم که باز هم برخی از اسامی را نمی‌توان تشخیص داد که کدام اسم مربوط به کدام ساز است. در محدوده جغرافیایی بین‌النهرین موسیقی جایگاه والایی داشته است. هم موسیقی بزمی در آن وجود داشته هم موسیقی مذهبی، موسیقی رزمی وجود داشته و البته این‌ها چیزهایی است که ما از آن‌ها اطلاع داریم و در کنده‌کاری‌ها و دیوارنگاری‌های نگهداری شده در موزه عراق، بریتانیا و لوور وجود دارد و می‌شود خوانند و حتی خطوط میخی آکدی. موسیقی در آن منطقه جایگاه ویژه‌ای داشته و در برخی از کتب متأخرتر مثل کتب پهلوی چرا که یهودیت در آن منطقه در دوره‌ای رشد داشته می‌توان ردپای این موسیقی را دید و آن را دنبال کرد.

■ اتفاقاتی در کارگاه‌ها درباره سازهای زیرخاکی یا کهن انجام می‌شود. آن‌ها تلاششان این است که هویت گذشته را روشن کنند و به داشته‌ها ایمان بیفزایند تا احساس غرور کنیم. به نظر شما چقدر این موضوع توانسته جایگاهی پیدا کند و این زحمات به نتیجه برسد و یا اوضاع را به گونه‌ای دیگر کرده که به لحاظ علمی جایگاهی نداشته باشد؟



حک شده است. ما می‌دانیم که لیر گاوی شکل متعلق به آن منطقه نیست و این‌ها طی مبادلات تجاری به آنجا راه پیدا کرده است.

و مسأله بعدی این است که حالا سازی ساختیم و اسم اشتباهی هم روی آن گذاشتیم فرضاً چنگ ساختیم و بدان گفتیم برط یا لیر ساختیم و بدان گفتیم چنگ که کاملاً اشتباه است چون هر ساز تعریف خودش را دارد. حالا این ساز را ساختیم از کجا می‌دانیم این ساز چگونه کوک می‌شده است؟ فواصل موسیقایی اش چگونه بوده است؟ حتی آن را تا حدی اگر بتوانیم حدس بزیم ملودی‌ای که با آن نواخته می‌شده چه بوده؟ آیا ما با یک موسیقی ۳ نتی سروکار داریم یا ۷ نتی؟ ما هیچ چیزی نمی‌دانیم. وقتی ما با این سازی که ساختیم و با آن شور و ماهور می‌زنیم پس چه فرقی می‌کند که با تار و سه‌تار نزنیم؟

■ آیا محدود صوتی آن‌ها اجازه می‌دهد که چنین بنوازیم؟

دوستان اکنون سازهایی با ادعای باستان ساخته‌اند و موسیقی دست‌گاهی می‌نوازند و بدتر اینکه با آن غزل و قصیده می‌خوانند. غزل و قصیده مربوط به دوران بعد از اسلام یعنی از قرن سوم هجری به بعد است که شعرهای فارسی بر وزن عروض عربی سروده می‌شود ما اجازه نداریم موسیقی ایلامی را با غزل و قصیده بعد از اسلام به هم مخلوط کنیم آن هم در جایی که بحث علمی داریم. در جایی که بحث ترکیب موسیقی و استفاده از آدانه مطرح است آواز بد هر کاری کنید و از هر چیزی به طریق دلخواه بهره ببرید اما وقتی بحث علمی مطرح است، نمی‌توان چنین کرد.

■ آیا می‌توان نام آن رانوازی گذاشت؟ به آن‌ها نوازی نمی‌گوییم چرا که تعریف علمی خودش را در جامعه دارد. وقتی با سازی که ادعا دارد مربوط به دوران باستان است باید موسیقی آن دوره را بنوازید حداقلی‌ترین شکل ممکن این است که اشعار مربوط به آن دوران را که اتفاقاً بسیار در دسترس هست را همراه بخوانید.

■ پس آن را خلاقیت هم نمی‌توان نامید؟ چرا که لازم رسیدن به نوازی خلاقیت است. بله.

با احترام به تلاش دوستانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند آنچه به نظر من می‌رسد این است که این فعالیت‌ها دارد وضعیت پیچیده موسیقی آن دوره‌ها را وخیم‌تر می‌کند. وقتی یک پروژه تحقیقاتی مطرح می‌شود و می‌خواهید اثر باستانی را هر چه هست بازسازی کنید آن پروژه باید تحت یک مقاله علمی پژوهشی تعریف شده باشد. باید منابع معرفی شده باشد برای آن کار، شیوه تحقیق معرفی شود، نتایج کار تحقیق گفته شود. وقتی مقاله پژوهشی‌ای نیست ما باید از کجا بدانیم که سازنده ساز بر اساس چه مطالعاتی به این نتیجه رسیده است که این مواد را برای ساخت این ساز انتخاب کند. صورتی که ما در متون تاریخی کهن و متون قبل از اسلام و گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی درباره مواد مورد استفاده ساخت سازها داریم که دقیق ذکر شده و نام برده شده است و حتی چگونگی تابیدن و تارهای برط یا چنگ در آن‌ها ذکر شده است. وقتی ما نمی‌دانیم سازنده ساز این ساز را بر چه مبنایی ساخته نمی‌توانیم قضاوت کنیم.

مسأله دیگری که با آن مواجهیم این است که سازی ساخته می‌شود و اسم دیگری بر آن گذاشته می‌شود. مثلاً سازی که ساخته شده لیر هست ولی به آن چنگ گفته می‌شود. در هیچ دوره‌ای تمدن‌ها نه پیش از اسلام نه بعد از اسلام ساز لیر هیچ‌گاه متعلق به ایران نبوده است. ساز لیر از فرنگی‌ها تارهای برط یا چنگ در وارد فرهنگ سوری‌ها شده و بعد وارد فرهنگ بین‌النهرینی شده است. ما سه مورد سند باستانی داریم که ساز لیر و نوازنده لیر در آن دیده می‌شود که در هر سه مربوط به اسیران جنگی هستند. بر اساس این نمی‌توانیم بگویم که ساز لیر سازی ایرانی بوده است. ما در شهر سوخته آثاری از لیر گاوی شکل داریم. دومهر داریم که روی آن‌ها لیر گاوی شکل

